## بیانیه کارگران ضد سرمایه داری

**اول:** خیلی ­ها از مبارزه با استثمار، فقر، کار کودکان، اعتیاد، فحشا، آلودگی­های زیست­محیطی، تبعیضات جنسیتی، خفقان و استبداد می­گویند!! حرف ما آنست که ریشه کل این فاجعه­ها در وجود سرمایه است. پیکار علیه این فجایع بدون تعرض مستقیم به هستی سرمایه­داری پوچ و بی نتیجه است. سرمایه است که انسان را از کارش جدا، با کار، محصول کار، با خودش، با سایر انسانها بیگانه می­­ کند، تمامی رشته های ارتباط انسانی افراد با هم را بمباران و با رابطه کالاها، رابطه سرمایه و کار جایگزین می کند. کارگر را از دخالت در تعیین سرنوشت کار، تولید، زندگی خود ساقط می­ نماید، کار و حاصل کارش را سرمایه طبقه سرمایه دار می سازد، معیشت، درمان، آموزش، حقوق اجتماعی، سیاسی، سلامت جسمی، روانی و همه چیز انسانها را قربانی سود و گسترش خود می­­گرداند. سرمایه فقط پول، کارخانه، زمین یا کلاً شیئ نیست، یک رابطه اجتماعی است، رابطه ای که شکل سیاست، حقوق، مدنیت، دولت، قانون، اندیشه، ایدئولوژی، فرهنگ، مذهب، اخلاق یا هر بروز و ظهور دیگر به خود می گیرد، تمامی اینها را جزء وجود خود می­کند، صندوق رأی، پارلمان، قوه قضائیه، ارتش، پلیس، سازمانهای اطلاعاتی، دموکراسی، ناسیونالیسم،فاشیسم، لیبرالیسم، پان اسلامیسم می­­گردد. سرمایه همه این­ها را ساز و کار بقای خود می­سازد.

**دوم:** جدال کارگران با سرمایه ­داری می تواند دو شکل ماهیتا متضاد به خود گیرد و تاریخا چنین شده است.

1 - **شکلی که سرمایه داری برای آن ها نسخه پیچی می کند.** سرمایه ایدئولوژی ها، راهبردها، تحلیل ها، راه حلها، نقدها، راهکارها، الگوها و افقهای خود را که فرارسته شیوه تولید مسلط و پاسدار بقای آنند، به مثابه اندیشه، باور، دورنما، چاره گری، آرمان، ارزشهای اجتماعی و مصالح زندگی کل بشر از جمله طبقه کارگر القاء می کند!!. از این طریق کل واقعیت ها را یکسره تحریف می نماید، حاصل این جعل و تحریف عظیم را شعور، اراده، دانش و الگوی زندگی انسانها می خواند. **از درون همین فرایند، راهبردهای چالش تضادهای سرشتی غیرقابل حل خود را نسخه پیچی می کند و این نسخه شوم را لباس استراتژی توده کارگر برای حل مشکلات و مناقشات جاری می پوشاند**. آویختن به انتخابات، قانون، توسل به نهادهای حکومتی، سندیکاسازی، حزب بازی، سرنگونی طلبی فاقد بار ضد کار مزدی پشت سر اپوزیسیونها، جایگزین سازی رژیمی با رژیم دیگر، شکلی از برنامه ریزی نظم سرمایه با شکلی متفاوت، از این جمله اند. در این شکل حتی هر «پیروزی­» گامی به سوی انحلال فاجعه بار کارگر در ساختار نظم سرمایه، تمکین او به نظام سرمایه ­داری و ضربه­ای کوبنده بر روند کارزار ضد بردگی مزدی است.

2 – **شکلی که از «هستی اجتماعی» و طبقاتی کارگران می جوشد**، تجلی شفاف مبارزه طبقاتی آنان علیه سرمایه داری است، روایت شعور مستقل، اراده آگاه، نقد طبقاتی، جهتگیری رادیکال انسانی و در یک کلام هستی آگاه دگرگونی آفرین و انقلابی آنها است. توده کارگر تاریخا با آن آغاز کرده است، همیشه و همه جا به میزان رشد شعور، آگاهی و توان اثرگذاری مستقل خود، به آن روی نهاده است. اتکا به قدرت جمعی شورائی و ضد سرمایه­داری، اعمال این قدرت علیه طبقه سرمایه ­دار، دولت و نظام سرمایه­داری در کلیه عرصه­های زندگی اجتماعی، اجتناب از آویختن به قانون، حقوق و نهادهای قدرت سرمایه، فرار از برپائی هر نوع تشکل سازی بالای سر، تاختن به سوی برپائی یک جنبش شورائی سراسری ضد بردگی مزدی، شالوده کار این شکل مبارزه یا این رویکرد است..جنبش شورائی مظهر دخالتگری آزاد، نافذ، آگاه آحاد کارگران در پروسه پیکار طبقاتی بدون هیچ رهبر ماوراء خود است. جنبشی که مطالبات معیشتی، رفاهی، مبارزه برای آزادی­های سیاسی و حقوق انسانی، کارزار ضد آلودگی­های زیست­محیطی و تبعیضات جنسیتی یا هر اعتراض دیگر را با جنگ علیه سرمایه­داری همراه و همگن می­سازد. برای این همراه سازی، همزمانی و همجوشی، زمینی ترین، ملموس ترین و رادیکال ترین راهکارها را دارد. جنبشی که از درون این کارزار شورائی سراسری، دولت سرمایه را سرنگون می­­ کند، کار مزدی را لغو، وجود طبقات و دولت را محو و جامعه آزاد انسانی را مستقر می­گرداند.

**سوم:** جامعه سرمایه­داری میدان جنگ گریزناپذیر دو طبقه کارگر و سرمایه­دار است. طبقه سومی وجود ندارد. کارگر می­تواند مولد، غیرمولد، **شاغل یا بیکار** و کارش یدی یا فکری باشد، در کارخانه، مدرسه، بیمارستان، مؤسسه، خیابان یا درون خانه کار کند، محصول کارش را سرمایه­دار معین، دولت یا سرمایه اجتماعی به تملک درآورد. سرمایه­دار هم فقط مالک کارخانه یا بنگاه سرمایه­­گذاری نیست. هر برنامه­ریز نظم اقتصادی، سیاسی، حقوقی، فرهنگی سرمایه، هر عنصر تحمیل­ کننده این نظم بر طبقه کارگر یا ذینفع در ماندگارسازی سازی آن، فردی از طبقه سرمایه­دار است.

**چهارم:** سرمایه­داری ایران غرق بحران است. توسعه­طلبی منطقه­ای رژیم اسلامی، فشار بحران را شدیدتر و کوبنده­تر کرده است. تحریم­ها، ویرانسازی بحران را مضاعف ساخته است. توده کارگر با تحمل شدیدترین فشار استثمار سرمایه و بار بحران­های سرمایه­داری، تحمل عوارض اقتصادی و اجتماعی توسعه­طلبی­ رژیم و تحریم­ها، بیش از هر دوره دیگر، دچار فقر و ذلت است. میلیون­ها کارگر فاقد امکانات معیشتی، حتی آب شرب و هوای سالم تنفسی هستند. واکنش میلیونها کارگر به آنچه سرمایه بر سرشان آورده است، طغیان در کران تا کران جهنم سرمایه­داری است. کارگران همه جا درحال اعتراض، اعتصاب و عصیان هستند.

**پنجم:** در چنین شرایطی اپوزیسیون­های منقرض بورژوازی از اصلاح­­طلب تا طرفداران سلطنت، مجاهد، فرقه­های ناسیونالیستی و احزاب چپ­­نمای شیفته قدرت، همچنان مدعی آلترناتیو بودن هستند!! جنجال می­کنند که معضل کارگران نداشتن رهبر و نیروی بالای سر است، خود را منجی کارگران می­­خوانند. در وضع حاضر قادر به ایفای هیچ نقشی نیستند اما به هنگام شورش سراسری، عجز رژیم از چالش طغیان­ها و غیبت جنبش شورائی طبقه کارگر، تلاش خواهند کرد زیر پرچم قطب­های قدرت سرمایه جهانی، فاجعه­بارترین سناریوها را برای توده کارگر رقم زنند.

**ششم:** جنبش کارگری ایران در این سال­ها گام­های مؤثری به جلو برداشته است. همصدائی در خواست­ها، گسترش اعتراضات و تبدیل آن­ها به برخی خیزش­های زودگذر منطقه ­ای، حتی سراسری، جهت­گیری بسیار محدود و بدون قوام برای سازمان­یابی شورائی، سخن از تصرف شورائی مراکز کار، شواهد این رشد هستند. مبارزه طبقاتی روز کارگران با همه این پیشرفت­ها در پشت یک بن ­بست بسیار سنگین، سهمگین و فرساینده متوقف مانده است. کارگران خود را آحاد منفرد فروشنده نیروی کار می ­پندارند، میدان جنگ خویش را چاردیواری محیط کار و چانه زدن با کارفرمای خود به حساب می­آورند!!، خود را یک طبقه در حال جنگ با سرمایه نمی­دانند!!، برده مزدی بودن را سرنوشت مقدر و همیشگی خود می انگارند، سرمایه­داری را منزلگاه آخر تاریخ تلقی می­ کنند، خود و طبقه خود را هیچ، پوچ و مقهور یکه­ تازی سرمایه می دانند. برای ارتقاء جنبش جاری خود به یک قدرت شورائی ضد کار مزدی آمادگی نشان نمی دهند. این بن­بست مسلماً شکستنی است و شکستن آن می­تواند نقطه عطفی در تاریخ جنبش کارگری ایران و جهان گردد. ما از کل کارگران و فعالین کارگری می­خواهیم که دست به کار برپائی جنبش متشکل، آگاه، شورائی ضد سرمایه­داری خود شوند. جنبش شورائی ضد سرمایه­داری توده کارگر ایران، تحقق مطالبات و انتظارات فوری زیر را، خاکریزها، تاکتیک ها و حلقه­های پیوسته مبارزات خود می­ کند.

1.محصول کار و تولید سالانه طبقه ما دههاهزار تریلیون تومان است. کل این محصول باید صرف معیشت مرفه، درمان، بهداشت، آموزش و پرورش از مهد کودک تا دانشگاه، ایاب و ذهاب، رشد و بالندگی هر چه افزون تر کودکان، بهترین شکل نگهداری از سالمندان، معلولان، بازنشستگان و ازکارافتادگان، تفریحات سالم برای همگان همراه با بازتولید مستمر، فزاینده و رشد یابنده این امکانات شود.آب، برق، گاز، خورد و خوراک و پوشاک، مسکن تلفن، اینترنت، دکتر، دارو، بیمارستان، مهد کودک، مدرسه و دانشگاه، امکانات رفاهی جمعی، همه و همه باید به طور کامل از سیطره خرید و فروش خارج و حق بدیهی بدون هیچ قید و شرط کل آحاد جامعه اعم از شاغل یا جویای کار گردد.

2 - دریافتی سالانه، امکانات معیشتی، رفاهی و اجتماعی هیچ سکنه جامعه نباید از میانگین سهم هر انسان در کل محصول سالانه کار و تولید بیشتر گردد.

3 – فقط جنبش شورائی سراسری ضد بردگی مزدی توده های کارگر است که حق برنامه ریزی کار و تولید، تعیین اینکه چه تولید شود و چه تولید نشود، به چه میزان تولید گردد، حاصل کار و تولید چگونه توزیع شود یا کلا سرنوشت کار و تولید را دارد. ما همزمان و به موازات پیکار برای برپائی این جنبش، برپائی قدرت سازمان یافته شورائی ضد کار مزدی طبقه خود، علیه کلیه وجوه تسلط طبقه سرمایه دار در برنامه ریزی کار و تولید و علیه اساس حاکمیت این طبقه بر سرنوشت کار و تولید خویش هم پیکار می کنیم.

4. کار افراد زیر 18 سال مصداق بارز کودک ­آزاری و ساقط ساختن انسان از رشد آزاد انسانی است، باید بدون هیچ قید و شرط لغو گردد. **جنبش کارگری با افراشتن بیرق پیکار برای تضمین سهم برابر هر انسان در محصول کار اجتماعی سالانه اساس هر نوع نیاز والدین به کار کودکان را در هم می کوبد و منتفی می سازد.**

5 – آموزش تا پایان دوره دبیرستان باید برای کل افراد اجباری و رایگان باشد، در هیچ سطح آموزش، از کودکستان تا آخرین دوره های دانشگاهی هیچ ریال هزینه تحصیل در هیچ شکلی به هیچ فردی نباید تعلق گیرد. کل مایحتاج آموزشی، از قلم، کاغذ، کتاب های درسی، متون تحقیقی، همه مایحتاج و امکانات پژوهشی تا هزینه های گردش علمی و تحقیقی ، همه چیز باید به طور کامل رایگان گردد. شمار دانش آموزان هر کلاس حداکثر 25 نفر، معلمان هر کلاس حداقل دو نفر و هر مدرسه از شمار مکفی روانشناس، مددکار اجتماعی، پزشک، پرستار برخوردار شود. روش تدریس، محتوای آموزش، فعالیتهای تربیتی باید ضاهن مطمئن و پاسخگوی مسؤل پرورش انسانها، به عنوان آحاد آگاه، دخالتگر، بیدار، توانا، تصمیم بگیر و آماده اثرگذاری همه جانبه شورائی در کلیه امور جاری و آتی جامعه باشد. هر شکل تنبیه فیزیکی و روانی افراد در هر سطح آموزش، مصداق بارز شکنجه، نقض کامل حقوق انسان، تجاوز به ملاکهای اجتماعی پاسدار حرمت، حیثیت، حق، آزادی و رشد آزاد افراد است.

6. هر شکل نابرابری میان زن و مرد در هر عرصه زندگی شخصی و اجتماعی، از میان برود. چند همسری محو و ازدواج افراد زیر 18 سال ممنوع گردد. امحاء کامل کار خانگی برنامه ریزی شود، در پروسه این امحاء، هر ساعت کار افراد در خانه، از بارداری و زایمان و پرورش کودکان گرفته تا آشپزی و نظافت و نگهداری از بیماران، ساعتی از زمان اشتغال محسوب شود و میانگین سهم هر انسان از محصول اجتماعی به ان تعلق گیرد.

7. همه تبعیضات قومی و عقیدتی محو شود. تبعیض بین فارس، کرد، بلوچ، افغان، ترک، عرب، بهائی، سنی، بی­دین جنایت علیه انسان به حساب آید و مرتکبین آن بازپروری و بازآموزی شرافتمندانه انسانی گردند.

8. اختصاص هر نوع امکانات اجتماعی یا تخصیص هر ریال از حاصل کار و تولید انسانها توسط دولت بورژوازی به مساجد، حوزه‌های علمیه، حسینیه‌ها، هر مرکز فعالیت‌ دینی، ایدئولوژیک، هر نهاد نظامی، پلیسی، امنیتی، هر مؤسسه تولید یا تجارت سلاح باید قطع شود.آموزش دینی مصداق شستشوی مغزی، از خود­بیگانه سازی، ترویج خرافه و مهندسی شعور بشر اعلام گردد و موضوع چالش آگاهگرانه، آزاد و انسانی قرار گیرد.

9 – مبارزه برای انحلال ارتش، سپاه پاسداران، بسیج، پلیس، تمامی نیروهای سرکوب فیزیکی و فکری، پارلمان، دولت و کل ساختار قدرت سرمایه جزء جدائی ناپذیر پروسه پیکار طبقاتی جاری و روزمره علیه موجودیت سرمایه داری است. است. ما مجرد سرنگونی طلبی فاقد بار ضد کار مزدی را حفاری گمراهه در پیش روی جنبش کارگری می بینم و برای جایگزینی آن با سرنگونی طلبی رادیکال ضد سرمایه داری می کوشیم.

10 -  آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه افرادی که به دلیل سرقت و خلاف ناشی از گرسنگی و فقر، فعالیت‌های سیاسی، مدنی، فرهنگی، عقیدتی در زندان­ها به سر می‌ برند

11 –کلیه اطلاعات، آمارها، اسناد، گزارشات و اخبار مربوط به پروسه تولید، گردش، توزیع و سامان پذیری محصول اجتماعی سالانه کار و تولید، کل داده های مربوط به حاصل کار سالیان متمادی و نسلهای متوالی طبقه کارگر، منابع طبیعی، ذخائر زیرزمینی، مسائل زیست محیطی، برنامه ریزی ها، سیاستگذاری ها، داد و ستدهای داخلی و خارجی، مناسبات دیپلوماتیک کشورها باید به صورت جامع، روتین و سیستماتیک در اختیار همه آحاد انسانها قرار گیرد. تمامی امکانات لازم برای دسترسی همه افراد به این اطلاعات باید فراهم گردد.

12.‌‌ ممنوعیت کامل دخالت هر فرد، هر نهاد، هر نیروی اجتماعی، در حریم زندگی انسان­ها، از جمله نوع پوشش، ازدواج باورها، جهت ­گیری های سیاسی و عقیدتی، شکل و شیوه تفریحات، روابط و تمایلات جنسی، ارتباط زن و مرد، دختر و پسر و ......

13 – **ایمن سازی کامل محیط کار، پاکسازی تمامی مراکز کار و تولید از ماشین آلات کهنه، فرسوده و هلاکت آفرین، مواد شیمیائی، سموم، گازها، مواد بیماری زا یا خطرناک، تأمین و تضمین مطمئن سلامتی جسمی و روانی افراد شاغل در تمامی مراکز کار. هر گونه قصور، تعلل یا اخلال در روند این ایمن سازی، هر شکل صرفه جوئی در هزینه های آن، عین جنایت علیه حق حیات انسان تلقی شود و مرتکبین آن مورد بازخواست و بازپروری انسانی قرار گیرند.**

**14 – آزادی بدون هیچ قید و شرط کل ساکنان جامعه برای مسافرت به هر نقطه جهان موجود، بدون نیاز به موافقت هیچ نهاد دولتی و اجتماعی**

15. کاهش شتابناک و مؤثر استفاده از سوخت­های فسیلی، جایگزینی آنها با انرژ­ی­های بدون هیچ زیان برای طبیعت و انسان، مبارزه با هر نوع آلودگی زیست­محیطی از طریق پیکار علیه اساس تولید برای سود و جایگزینی آن با تولید برای رشد متعالی جسمی و فکری بشر، تعطیل فعالیت­های اقتصادی مخرب و آلاینده محیط زیست، منع هر نوع سرمایه شدن منابع طبیعی مانند جنگل آب، زمین، توقف جنگل‌زدایی، ممنوعیت هر نوع مصرف ترکیبات مضر شیمیائی در تهیه محصولات از جمله خورد و خوراک، پوشاک، لوازم آرایشی و بهداشتی، مسکن، وسائل خانه، در مراحل مختلف تولید، توزیع، نگهداری، حمل و نقل؛

16. هر نوع آزار جسمی، روانی اشخاص، قصاص، تعزیر، شلاق، نگهداری افراد در سلولهای انفرادی و مانند اینها عین شکنجه و جنایت آشکار علیه انسان به حساب آید، مرتکبین مورد بازآموزی و بازپروری انسانی، اخلاقی، عاطفی و اجتماعی قرار گیرند.

17. ممنوعیت کامل مجازات اعدام؛

18. آزادی بدون هیچ قید و شرط مطبوعات، شبکه‌های اجتماعی، اعتصاب، تظاهرات و راه­پیمایی، آزادی تشکیل شورا، حزب، سندیکا و هرگونه تشکل، آزادی تبلیغ هر مرام، مسلک و مذهب، آزادی کامل مبارزه برای محو سرمایه­داری و کارمزدی؛

19. با تضمین قطعی سهم برابر هر انسان در محصول کار اجتماعی سالانه، هر نوع تن­فروشی و فحشا ممنوع شود.

20. تمامی معتادان بدون هیچ هزینه و به طور کاملا رایگان مورد درمان و بازپروری جسمی، روانی قرار گیرند. افراد خانواده این معتادان در تمامی ایام درمان و بازپروری باید از همه امکانات معیشتی، اجتماعی، رفاهی، درمانی و سایر مایحتاج زندگی برخوردار باشند.

21. برنامه ریزی داوطلبانه شدن کامل کار، در همین راستا کاهش ساعات کار روزانه به زیر 5 ساعت، تعطیلی اجباری دو روز در هفته، 2 ماه در سال، ممنوعیت هر نوع اضافه کاری، معافیت کامل کلیه معلولان از کار؛ محاسبه هر ساعت کار سخت و پرمشقت به عنوان 2 ساعت کار روزانه. تقلیل سن بازنشستگی به حداکثر 55 سال.

22 – اعتیاد یک فاجعه عظیم انسانی آوار بر سر کل سکنه جهنم سرمایه داری است. جنبش کارگری باید با تمامی قوا برای خلاصی انسانها از شر اعتیاد پیکار کند. تولید مواد اعتیاد آور را به مصارف ضروری داروئی، پزشکی، نیازهای طبیعی و بدون هیچ ضرر برای سلامتی جسمی و فکری افراد محدود نماید و این محدودیت را بر سرمایه تحمیل کند.